

**The Formal and Substantive Requirements of the Republic in the System  
of the Islamic Republic of Iran**

Rahim Nobahar<sup>1</sup>

DOI:10.22034/MATIN.2022.282777.1872

Seyyed Mohammad Reza Mottaghi<sup>2</sup>

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.6.0

**Abstract**

Research Paper

Imam Khomeini's political thought and model of state is a relatively new approach in the realm of "Islamic government." In this model, entitled Islamic Republic, the republic is a "genus", and Islam is the "differentia" from other kinds of republics. The importance of this point is that when the republic is the essential part of a political system, one should expect its consequences to appear in all respects. However, in the political and legal literature, it is not possible to achieve a precise and comprehensive definition of the republic. The absence of this definition, causes various conflicts and disputes at the levels of decision-making and implementation on one hand, and the prevailing discourses on these matters on the other. Adopting an analytical-descriptive method, this article aims to find a comprehensive definition of the republic in the political system of the Islamic Republic and to examine and analyze its theoretical and practical consequences. According to the findings of the article, the presented model in the Islamic Republic of Iran is based on the formal and substantive structure of the republic and within the framework of "Modern Great-Approach"; Accordingly, the Islamic Republic is obliged to consider the necessities and requirements of this matter in all its aspects to prevent metamorphosis and alteration of the nature of the government.

**Keywords:** Republicanism, constitution, imam Khomeini, right to self determination, religious Democracy.

---

1. Associate Professor, Department of Islamic Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: [r-nobahar@sbu.ac.ir](mailto:r-nobahar@sbu.ac.ir)

2. PhD in public law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: [mohammadreza.mottaghi@iranian.ac.ir](mailto:mohammadreza.mottaghi@iranian.ac.ir)

## جمهوریت و الزامات شکلی و محتوایی آن در نظام جمهوری اسلامی ایران

رحیم نوبهار<sup>۱</sup>

DOI:10.22034/MATIN.2022.282777.1872

سید محمدرضا متقی<sup>۲</sup>

DOR: 20.1001.1.24236462.1402.25.99.6.0

### مقاله پژوهشی

**چکیده:** الگوی سیاسی مدنظر امام خمینی، رویکرد نسبتاً جدیدی در قلمرو «حکومت اسلامی» به شمار می‌رود. ایشان، حکومت مدنظر خود را به منزله «نوع» ی معرفی کرده که جمهوریت، «جنس» آن و اسلامیت، «فصل ممیز» آن از سایر جمهوریهاست. وقتی جمهوریت جزء ذات یک نظام سیاسی باشد باید انتظار داشت تا پیامدهای آن در تمام شئون پدیدار شود. باین حال، در ادبیات سیاسی و حقوقی نمی‌توان به صورت دقیق، به تعریفی نظام‌مند از جمهوریت دست یافت. عدم وجود این تعریف موجب تعارض‌ها و مناقشه‌های مختلف در سطوح تصمیم‌گیری و اجرایی از جانبی و گفتمان‌های حاکم بر این امور، از جانب دیگر شده است. از این رو پژوهش موجود با روش تحلیلی-توصیفی و با توجه به قانون اساسی و سخنان امام خمینی در زمان معرفی ساختار مدنظرشان، در پی یافتن تعریفی از جمهوریت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی و بررسی تأثیرات نظری و عملی آن است. برابر یافته‌های این مقاله، الگوی ارائه‌شده در جمهوری اسلامی ایران، ناظر بر ساختار شکلی و ماهوی جمهوریت است و در چهارچوب «کلان الگوی مدرن» قرار می‌گیرد؛ بنابراین مسئولان جمهوری اسلامی موظفند برای جلوگیری از دگردیسی و تغییر ماهیت نظام، الزامات این امر را در تمام شئون لحاظ کنند.

**کلیدواژه‌ها:** امام خمینی، جمهوریت، حق بر تعیین سرنوشت، قانون اساسی، مردم‌سالاری دینی.

۱. دانشیار گروه حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: r-nobahar@sbu.ac.ir

۲. دکترای حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.  
Email: mohammadreza.mottaghi@iranian.ac.ir

**مقدمه**

جمهوری، اصطلاحی سهل و ممتنع در ادبیات سیاسی است. با آنکه به ظاهر کاملاً قابل فهم می‌نماید؛ اما پس از بررسی الگوها و نمونه‌های آن، گستره بزرگی را در مقابل دیدگان ناظران می‌نهد؛ به گونه‌ای که از دموکراتیک‌ترین حکومت‌ها تا نظام‌های پلیسی و حتی ساختارهای سنتی استبدادی که تنها در نام، پادشاهی مطلقه نیستند خود را به این صفت معرفی می‌کنند. بر این اساس برای درک چیستی جمهوری و کارکرد ابزارهای آن در هر ساختار سیاسی، لاجرم باید الگوی مطلوب نظری آن ساختار در خصوص جمهوری را بررسی نمود. بر همین اساس است که برای درک چیستی و میزان نفوذ جمهوری در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز ابتدا باید الگوی نظری مطلوب آن را مورد بررسی قرار داد.

آنچه در کشور ما این مطالعه را ضروری‌تر می‌سازد این واقعیت است که امام خمینی در سال ۱۳۵۷ و در تعریف نظام سیاسی مدنظر خود برای آینده ایران، جمهوری اسلامی را پیرو جمهوری تعریف می‌کنند که مانند سایر جمهوری‌های موجود در جهان خواهد بود و ویژگی اسلامیت آن را نیز در اجرای احکام اسلام مورد شناسایی قرار می‌دهند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۵۴۸). این نگاه در اسلوب واژگانی عبارت «جمهوری اسلامی ایران» نیز مشهود است و ترتیب قرار گرفتن این سه واژه در کنار هم بار معنایی خاصی دارد که به موجب آن، اسلامیت، صفتی برای کلمه جمهوری در نظر گرفته شده و ایران، مضاف الیه آن است. از منظر ادبیات «کلیات خمس» در مباحث منطق نیز جمهوری اسلامی ایران، «نوع»، «جمهوریت»، «جنس»، «اسلامیت»، «فصل» و «ایران» «عَرَض عام» این عبارت شناسایی می‌شود؛ ساختاری که در برخی از سخنان امام خمینی می‌توان توجه به آن را دریافت و در تفسیر آن می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران به منزله یک نوع، یعنی نظامی جمهوری مانند همه جمهوری‌های جهان (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۷۹) که حد افتراق و فصلش با سایر جمهوری‌ها، اسلامیت آن است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۱۱) و در ایران اجرایی می‌شود.

دلیل این اندیشه امام در باب تلفیق جمهوری با حکومت اسلامی را می‌توان برآمده از نظریه فقهی خاصشان دانست؛ ایشان بر آن بودند که ماهیت نظام سیاسی در اسلام تعیین شده است نه شکل آن (نوبهار، ۱۳۹۴، ص ۸۲)، به همین واسطه عبارت «اسلامیت» و

«جمهوریت» را برای نخستین بار به تاریخ ۱۳۵۷/۷/۲۲ در کنار هم مطرح می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴، صص ۴-۱)؛ نظریه‌ای که جمهوری اسلامی را به شکل یک ذات یافته و نه یک کلمه افزودن بر آن را برمی‌تابد و نه یک کلمه کاستن از آن را (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، صص ۴۵۴-۴۵۲).

اما از زمان استقرار نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران، مناقشات در خصوص تعریف جمهوریت و دامنه نفوذ آن و بالأخص در نسبت آن با اسلامیت تبدیل به یکی از گره‌های اصلی نظام سیاسی و حقوقی ایران شده است. این تعارض‌ها که بیشتر حول محور کار ویژه‌های نهادهای اصلی حاکم در این ساختار سیاسی (از جمله رهبری، شورای نگهبان و مجلس خبرگان) از جانبی و گفتمان‌های مطلوب نظام (در خصوص مواردی مانند حقوق سیاسی، اجتماعی، شهروندی و اقتصادی) از جانب دیگر خودنمایی می‌کند، در زندگی جاری شهروندان هم تأثیرگذار شده است و اگر راهکاری برای حل آن یافت نشود می‌تواند محمل مخاطرات جدی‌تری برای این میراث گران‌سنگ امام خمینی باشد.

### ۱. پیشینه تحقیق

در این باره تاکنون پژوهشگران مختلفی به ارائه نظر پرداخته‌اند و هر کدام از زاویه‌ای موضوع مورد اشاره را به ورطه محک کشیده‌اند. در این میان می‌توان به مقاله «جمهوریت و اسلامیت از دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی»، نوشته سید جواد ورعی اشاره کرد که کوشیده است به راهکاری برای گره‌گشایی از تعارض این دو مهم دست یابد. به نظر این نویسنده اگر جمهوریت را صرفاً به‌منزله ظرف حکومت اسلامی در نظر بگیریم، تعارضی میان این دو مفهوم وجود نخواهد داشت. حسین جوان آراسته نیز در مقاله‌ای با عنوان «جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» همین هدف را دنبال می‌کند. وی در این مقاله تصریح می‌کند با توجه به جایگاه هردوی این مفاهیم، تضعیف هر یک آسیب به کلیت جمهوری اسلامی است و قانون اساسی می‌تواند بهترین داور در خصوص میزان نفوذ هر یک باشد. غلام‌حسن مقیمی هم در مقاله «درآمدی بر مفهوم جمهوری» با تفکیک رهیافت‌های جمهوریت، در نهایت عنوان «جمهوری مکتبی» را زینده‌تر برای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌داند و عملاً رهیافت مدرن جمهوریت را

مترادف با ساختار لیبرال آن در نظر می‌گیرد.

مقاله حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با توجه به قانون اساسی، سخنان امام خمینی در زمان معرفی ساختار مدنظر و سایر منابع در اختیار به این دو سؤال پاسخ دهد که معنا و مفهوم واژه جمهوری به کاررفته در عبارت جمهوری اسلامی ایران چیست و این مفهوم باید چه تأثیری در امور اجرایی، تقنینی، قضایی و سایر شئون این نظام بگذارد؟ در این راستا، برای نیل به اهداف این پژوهش ابتدا تعریف‌های موجود در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس ویژگی‌های جمهوریت استخراج شده و پس از آن، با مابه‌ازاهای آن در الگوی جمهوری اسلامی ایران مقایسه می‌شود تا بتوان در نهایت به حکمی کلی در خصوص نفوذ جمهوریت در نظام سیاسی حاکم بر ایران دست یافت.

## ۲. الگوهای جمهوریت

جمهوری، معادل واژه یونانی *Republiqu*، کلمه‌ای پرکاربرد و قدیمی در فلسفه سیاسی است. واژه جمهوری، مأخوذ از لغت *Republic*، برگرفته از ریشه لاتینی *Respublica* و مرکب از دو لفظ *Res* به معنای شیء یا امر و *publica* به معنای عمومی و یا همگانی است (laclau, 1990, p. 237). لئوناردو برونی<sup>۱</sup>، تاریخ‌نگار ایتالیایی ریشه لفظ جمهوری را اصطلاح لاتین «*publica res*» به معنای «امر عمومی» می‌داند (مقیمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۱). لغت‌نامه دهخدا نیز «جمهور» را به معنای «همه مردم، جماعت کثیر، ... و با مصدر جعلی جمهوریت، توده، ...؛ حکومتی که زمام آن به دست نمایندگان ملت باشد» معرفی می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۳، ص. ۶۹۰۱).

فارغ از تعریف‌های زبان‌شناختی، مفهوم جمهوریت نیازمند بررسی دقیق است. در این راستا می‌توان جمهوریت را در چهار الگوی کلی تقسیم‌بندی کرد و نظام‌های سیاسی را بر این اساس مورد بازشناسی و دسته‌بندی قرار داد. این چهار کلان‌الگو بدین شرح هستند: کلان‌الگوی آتن، کلان‌الگوی روم، کلان‌الگوی رنسانس و کلان‌الگوی مدرن.

1. Leonardo Bruni

## ۲-۱. کلان‌الگوی یونان (با تأکید بر نظام سیاسی آتن و اندیشه‌های ارسطو)

در دولت-شهر آتن از حدود ۵۱۰ ق.م تا زمان فتح این سرزمین‌ها به دست اسکندر<sup>۱</sup> مقدونی (۳۵۶ تا ۳۲۳ ق.م) (به‌جز چند دوره کوتاه) نظامی با عنوان جمهوری حکم‌فرما بود. در این دوران امور شهر به‌واسطه رأی شهروندان و منتخبین آن‌ها اداره می‌شد. به علت جمعیت کم این دولت-شهرها، حتی دادگاه‌ها نیز در مجامع عمومی رسمیت می‌یافت و شهروندان به‌عنوان هیأت منصفه در آن شرکت می‌کردند (البته در این ساختار صرفاً مردان آزاد پیرو دین رسمی شهروند شناخته می‌شدند). حاکمان نیز از میان واجدان رأی یا به‌صورت قرعه انتخاب می‌شدند و یا با برگزاری مناظره‌های طولانی برای کسب آرای مردم تلاش می‌کردند. این جنس از حکومت‌داری به‌واسطه انحصار اطلاعات رأی‌دهندگان به گفت‌وگوهای جدلی (و بدون امکان سنجش واقعیت‌ها) باعث واکنش‌های اندیشمندان بزرگی مانند ارسطو<sup>۲</sup> شد (Wilson, 2006, p. 627).

ارسطو در نظام اندیشه‌ای خود حکومت‌ها را بر اساس شمار حکام و اهداف آن‌ها به شش‌الگو تقسیم می‌کرد. از نظر شمار، در صورتی که در مسیر خیر همگانی گام برمی‌داشتند، حکومت یک فرد را یک‌تن‌سالاری یا موناشری، چندتن‌نخبه را نخبه‌سالاری یا آریستوکراسی و حکومت همگان را، مردم‌سالاری یا جمهوری نام می‌نهاد و صورت زوال یافته جمهوری را که افراد در آن صرفاً به فکر منافع خود بوده و عوام‌فریبی در آن حاکم است، با عنوان دموکراسی معرفی می‌کرد<sup>۳</sup> (مقیمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۴).

مهم‌ترین دغدغه این کلان‌الگو پیش از هر چیز، نتیجه حکمرانی بود، نه شکل آن. بر این مبنا ارسطو و پیروان وی معتقد بودند هر حکومتی که در مسیر خیر عمومی گام بردارد، فارغ از شکل و شمار حاکمان آن مطلوب است.

1. Alexander

2. Aristotle

۳. ارسطو همچنین صورت زوال یافته حکومت یک‌تن‌سالار را «تورانی» و نظام چندتن‌سالار را «الیگارشی» می‌نامید (آشوری، ۱۳۷۵، ص. ۳۰۵).

## ۲-۲. کلان الگوی روم (با تأکید بر جمهوری رم و اندیشه‌های سیسرون)

از حدود سال‌های ۶۰۰ ق.م در روم مجلس سنا وجود داشت و بر عملکرد پادشاهان نظارت می‌کرد. در سال ۵۰۹ ق.م سنا تصمیم می‌گیرد پادشاهی را منحل و به‌جای آن حکومت جمهوری تأسیس کند، به صورتی که دو نفر به‌عنوان کنسول، با قدرت‌های برابر و رقیب یکدیگر، برای مدت محدود به‌عنوان حاکم انتخاب شوند. پس از گذشت حدود صدسال از این واقعه کم‌کم تصمیم گرفته شد عوام هم با انتخاب شهروندان به مجلس سنا راه یابند. این ساختار نیز مانند یونان صرفاً مردان آزاد را شهروند می‌دانست؛ اما اندیشه دینی آنان را در این امر دخالت نمی‌داد (بایرناس، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۸). در این نظام مهم‌ترین وظیفه کنسول‌ها، اداره دولت و اجرای قوانین تصویب شده در مجلس سنا بود (Saddington, 2011, pp. 237-362).

در این عصر یکی از مهم‌ترین اندیشمندان فلسفه سیاسی روم، سیسرون<sup>۱</sup> (۱۰۶ ق.م تا ۴۳ ق.م) به تبیین جمهوریت پرداخت. به عقیده وی مقصود از جامعه، اجتماع دسته‌ای از افراد به هر طریق نیست، بلکه مقصود، اجتماع عده کثیری از مردم بوده که نسبت به امر عدالت، منافع مشترک عامه و برای مصالح عمومی با یکدیگر به توافق رسیده‌اند (فاستر، ۱۳۷۰، ص. ۳۰۸). وی معتقد بود هر فرد انسانی، با ظرفیت و قابلیت تشخیص و استعداد شناسایی حقوق طبیعت، آفریده شده است. به عبارت دیگر همه مردم فیلسوف‌اند؛ بنابراین، در اندیشه سیاسی سیسرون، مردم در زندگی سیاسی-اجتماعی به‌تساوی طبیعی می‌رسند و انسان‌ها ذاتاً با هم مساوی هستند و بدون تبعیض طبقاتی می‌توانند در سرنوشت عمومی خود مشارکت کنند (بازارگاد، ۱۳۵۹، ص. ۲۳۷). از مهم‌ترین ویژگی‌های این کلان الگو می‌توان به شناسایی حکومت به‌منزله یک نهاد و مادام‌العمر نبودن حکام از جانبی و دید مثبت به شهروندان و پذیرش رشید بودن آن‌ها از جانب دیگر اشاره کرد. نکته قابل توجه دیگر در خصوص این کلان رهیافت، توجه به جمهوریت به‌عنوان یک «ارزش» نسبت به سایر حکومت‌هاست.

## ۲-۳. کلان الگوی رنسانس (با تأکید بر جمهوری فلورانس و اندیشه‌های ماکیاولی)

در دوران رنسانس (از حدود قرن ۱۴ تا قرن ۱۷ میلادی) نگاه به گذشته (پیش از ظهور

1. Cicero

مسیحیت) رونق چشم‌گیری پیدا کرد و یکی از وجوه شاخص آن نیز در امر حکومت‌داری رخ نمود. یکی از بسترهای مهم این اتفاق که الهام‌بخش سایر ملت‌ها نیز شد، «جمهوری فلورانس» بود. جمهوری فلورانس (واقع در ایتالیا کنونی) در سال ۱۱۱۵ م. زمانی که مردمش بر نظام پادشاهی حاکم قیام کردند، پایه‌گذاری شد (Bartlett, 2005, p. 35). شورایی موسوم به «سینیوریه» این جمهوری را به تقلید از جمهوری حاکم در روم، اداره می‌کرد. شهروندان این جمهوری اعضای این شورا را هر دو سال یک‌بار انتخاب می‌کردند. پس از سال ۱۵۴۸ میلادی و پس از برخی تغییرات در نظام تصمیم‌گیری این ساختار، آزادی مذهب به صورت رسمی در حقوق سیاسی این جمهوری به رسمیت شناخته شد (Van Veen, 2013, pp. 190).

در این دوره بود که یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حیطه حکومت‌داری، نیکولو ماکیاوولی<sup>۱</sup> (۱۴۶۹ تا ۱۵۲۷ م.) به ارائه نظریات خود در خصوص جمهوریت پرداخت. وی با وجود علاقه به تقسیمات حکومتی ارسطویی، اساساً حکومت‌ها را در حالت کلی به دو شکل «سلطنتی» و «جمهوری» تقسیم کرد؛ یعنی به حکومتی که حاکم را مردم انتخاب کنند و توانایی عزل آن را داشته باشند، جمهوری می‌گفت و نظام سیاسی غیرازاین صورت را سلطنت می‌نامید (Rahe, 2008, p. 282). به صورت کلی، این رویکرد، چه از منظر شکل و چه از منظر ماهیت، نگاهی کارکردگرا به مقوله حکمرانی داشت و به همین دلیل نوع حکومت را در ساختارهای ارزشی موردسنجش قرار نمی‌داد (کلوسکو، ۱۳۹۶، ص. ۲۵-۳۲).

#### ۴-۲. کلان‌الگوی مدرن (با تأکید بر سرآغاز هلندی آن و فلاسفه عصر روشنگری)

پس از پیروزی انقلاب مردم پروتستان هلند در قرن ۱۶. م علیه دولت کاتولیک اسپانیا، حکومتی در این کشور به قدرت رسید که نتیجه آن تلاشی مؤثر در جهت توسعه‌ای با مختصات امروزی بود (Geyl, 2001, p. 55). این نظام برآمده از انقلاب که به «جمهوری بازرگانی» نیز شهرت یافت، معتقد بود به طبیعی‌ترین نوع حکومت‌داری (منطبق با ساختار انسانی رشید و دارای کرامت ذاتی) دست‌یافته است، زیرا در آن خود شهروندان بر خویش حکومت می‌کنند و هیچ

---

1. Niccolo Machiavelli



حاکمی توانایی مستبد شدن را ندارد (لیست، ۱۳۸۳، صص. ۵۴۴-۵۴۰). برای تحقق این هدف نیز لاجرم به ایجاد الزامات شکلی و ماهوی بنیادین برای مفهوم جمهوریت دست زد؛ از جمله انتخابی بودن حکام، محدود بودن دوره زمامداری، تدوین قانون اساسی، آزادی مالکیت، عدم اجازه سرکوب اقلیت و الزام به شفافیت در تمام امور. همین رویکرد و ادامه آن در سایر کشورها و سپس شکوفایی آن در انقلاب استقلال آمریکا، توانست مفهوم جمهوریت را در افق‌های جدیدی بازتعریف کند (Pangle, 1988, p. 37).

در این کلان‌الگو، عرصه جامعه مدنی، مرکز ثقل تصمیمات سیاسی-اجتماعی به شمار آمد و مهم‌ترین مشخصه خود را نیز در پاسخگویی به نزاع و تعارض آزادی و فردیت، با اراده عمومی و قانون تعریف کرد (مقیمی، ۱۳۷۸، ص. ۱۶۹). بدین ترتیب، مهم‌ترین دغدغه اندیشمندان سیاسی این دوره مسئله «آزادی» قلمداد شد که ممکن است توسط ساختار سیاسی تهدید شود. جمهوریت در این فضا، فارغ از ویژگی‌های شکلی، معانی ماهوی فراوانی دارد و بر همین اساس، باید آن را نه به منزله یک شکل، بلکه به عنوان یک گفتمان بررسی کرد (بلوم، ۱۳۷۳، صص. ۶۶۸-۶۵۷).

در کل می‌توان تحلیل بنجامین کونستانت<sup>۱</sup> (۱۷۶۷ م تا ۱۸۳۰ م)، اندیشمند سیاسی فرانسوی را در شناخت جمهوری مدرن کلیدی دانست. وی معتقد بود تفاوت جمهوری‌های باستانی و جمهوری‌های مدرن در تأکید اصلی تصمیم‌گیری به صورت دسته‌جمعی (جمهوری‌های باستانی) و آزاد بودن فرد در تعیین سرنوشت خویش به عنوان دال مرکزی بحث (جمهوری‌های مدرن) است (لیست، ۱۳۸۳، ص. ۵۳۹). از جانب دیگر، این کلان‌الگو توانست در نهایت، عناصر جنسیت، حریت، طبقه، نژاد و اندیشه را از لوازم شناسایی شهروند جدا سازد و با ارزش دانستن جمهوریت، گسترده‌ترین جامعه آماری را برای تحقق حق تعیین سرنوشت به کار گیرد.

### ۳. الزامات مفهوم جمهوریت

برای آنکه بتوان نگاهی درست‌تر به تعریف جمهوری و سپس نسبت آن با جمهوریت

1. Benjamin Constant

مدنظر ساختار سیاسی ایران داشت باید به شمارش اجمالی ویژگی‌های این الگو در کلان رهیافت‌های مطرح شده دست زد.

### ۱-۳. الزامات شکلی مفهوم جمهوریت

با توجه به مطالب موجود می‌توان دریافت جمهوریت دارای ویژگی‌های شکلی شاخصی است که برای این عبارت نقش حیاتی دارد. این ویژگی‌های شکلی را می‌توان در شش دسته خلاصه کرد:

۱. رؤسای حکومت، از سوی شهروندان انتخاب می‌شوند (مشترک بین تمام کلان الگوها)؛ ۲. حاکمان در قبال شهروندان و ارگان‌های نظارتی خود مسئول هستند (مشترک بین همه کلان الگوها)؛ ۳. دوره زمامداری حاکمان محدود است (مشترک بین همه کلان الگوها)؛ ۴. اختیارات و احکام صادره از جانب حاکمان تنها در صورت مقید بودن به قانون، مطاع است (مشترک بین دو کلان الگو آخر)؛ ۵. در این ساختار تفکیک قوا وجود دارد (مشترک دو کلان الگوی آخر)؛ ۶. در این نظام سیاسی، «قانون اساسی» وجود دارد (قانون اساسی / مشترک بین دو کلان الگوی آخر).

### ۲-۳. الزامات ماهوی مفهوم جمهوریت

اندیشه‌های سنتی، اصولاً جمهوریت را بیشتر دارای ویژگی‌های شکلی می‌داند؛ اما در اندیشه‌های جدیدتر، وجود برخی عناصر ماهوی جزء ذات جمهوریت شناخته می‌شود؛ از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به این شش مورد اشاره کرد: ۱. شهروندان در حوزه عمومی رشیدند (مشترک بین همه کلان الگوها)؛ ۲. همه شهروندان از منظر شهروندی با هم برابرند (منحصر به کلان الگوی آخر)؛ ۳. مردم صاحب حقوق سیاسی، اجتماعی و ... هستند (منحصر به کلان الگوی آخر)؛ ۴. در این نظام، اصل شفافیت مقدمه‌ای برای تحقق حق تعیین سرنوشت شناخته می‌شود (منحصر به کلان الگوی آخر)؛ ۵. به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان اقلیت مسالمت‌خواه را سرکوب کرد و مخالفت اقلیت و تلاش برای اکثریت شدن، خود جزئی از جمهوریت تلقی می‌شود (منحصر به کلان الگوی آخر)؛ ۶. شهروندان دارای حق تعیین سرنوشت هستند (هدف غایی همه تعاریف جمهوریت).

#### ۴. مفهوم «جمهوریت» در عبارت «جمهوری اسلامی ایران»

اینک پس از تلاش برای استخراج اقسام مفاهیم جمهوریت، می‌توان به سراغ این مفهوم در عبارت جمهوری اسلامی رفت. در این بخش نیز مانند بخش پیشین، موارد بر اساس دو دسته شکلی و ماهوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

##### ۴-۱. الزامات شکلی مفهوم جمهوریت و جمهوری اسلامی ایران

با توجه به آنچه پیرامون الزامات شکلی جمهوریت گذشت می‌توان الزامات شکلی جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر برشمرد:

##### ۴-۱-۱. انتخاب مسئولان امور عمومی از سوی مردم

طبق قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران باید تمامی سمت‌های سیاسی، اداری، تقنینی و... کشور، به‌واسطه یا بی‌واسطه، از طریق رأی شهروندان انتخاب شوند (اصل ۶). مهم‌ترین سمت‌های ملی که به‌صورت مستقیم شهروندان آن‌ها را انتخاب می‌کنند نمایندگان مجلس خبرگان، رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند. مهم‌ترین سمتی که به‌واسطه (مجلس خبرگان رهبری) انتخاب می‌شود رهبری است (اصل ۱۰۷).<sup>۱</sup> انتصاب رئیس‌جمهور قضائیه، فرمانده کل سپاه، رئیس ستاد مشترک، اعضای مجمع تشخیص مصلحت و... نیز طبق اصل ۱۱۰ و ۱۱۲ بر عهده رهبری بوده؛ رهبری که بنا به فرض قانون اساسی به‌واسطه، منتخب شهروندان است.

##### ۴-۱-۲. مسئولیت زمامداران و نظارت بر آن‌ها

برابر قانون اساسی، مجلس خبرگان موظف به نظارت بر رهبری است و اصل ۱۱۱ بر این نکته تصریح دارد. اصل ۱۴۲ نیز به مقوله دارایی‌های سران مملکتی پرداخته و نظارت بر

۱. البته نظارت شورای نگهبان بر انتخابات این مجلس موجب بروز شائبه‌هایی در آزادی عمل نمایندگان آن شده است.

آن را بر عهده رئیس قوه قضائیه گذاشته است.<sup>۱</sup> اصل ۱۲۲ قانون اساسی به صراحت بر مسئولیت دولت در «برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی» اشاره می‌کند. هم قوه قضائیه (نظارت قضایی) و هم قوه مقننه (نظارت سیاسی) نظارتی تمام‌عیار بر قوه مجریه دارند؛ تا آنجا که حتی هرکدام می‌توانند درخواست عزل رئیس جمهور را مطرح کنند و پس از تأیید رهبری (بند ۱۰ اصل ۱۱۰)، وی از کار برکنار می‌شود. همچنین مجلس می‌تواند هر یک از وزرا را به استناد اصل ۸۹ استیضاح و درنهایت از وزارت عزل کند.

در باب نظارت‌پذیری قوه مقننه، این قوه خود دارای دو رکن است؛ یک رکن مجلس شورای اسلامی و رکن دیگر شورای نگهبان قانون اساسی. شورای نگهبان بر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و یا قوانین اسلام نظارت می‌کند (اصل ۷۲)؛ اما ناظر مشخصی (به‌جز نظارت قیمومیتی رهبری) در خصوص شورای نگهبان در نظر گرفته نشده است.

در خصوص نمایندگان مجلس نیز به‌موجب اصل ۸۶ برای مقابله با فشارها علیه نمایندگان، سطحی از مصونیت پارلمانی در «مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی» و «تعقیب یا توقیف» در نظر گرفته شده است.

در ساختار جمهوری اسلامی ایران، نظارت نظام‌مند و مؤثر بر قوه قضائیه وجود ندارد و می‌توان آن را در امکان عزل رئیس این قوه به وسیله رهبری (بند ۶ اصل ۱۱۰) منحصر دانست.

### ۳-۱-۴. محدودیت دوره زمامداری

فارغ از رهبری، تصدی سایر سمت‌های اصلی در جمهوری اسلامی، زمانمند است. اصل ۱۱۴ محدودیت دوره زمامداری رئیس جمهور، اصل ۶۳ محدودیت دوره نمایندگی مجلس و اصل ۱۵۷ نیز به محدود بودن دوره تصدی سمت ریاست قوه قضائیه اشاره دارد.

---

۱. ایراد عمده این اصل آن است که رهبری خود رئیس قوه قضائیه را به این سمت می‌گمارد؛ در نتیجه شائبه عدم بی‌طرفی وی به این واسطه پررنگ می‌شود.

**۴-۱-۴. حاکمیت قانون<sup>۱</sup>**

طبق قانون اساسی، وضع قانون و مقررات بر عهده نهادهای مشخصی قرار گرفته است؛ به صورتی که مرجع انحصاری وضع قانون (اصل ۷۱) مجلس شورای اسلامی است. سایر نهادهای این ساختار تنها می‌توانند در حیطه وظایف خود به وضع مقررات هم‌راستای قانون و اصطلاحاً آیین‌نامه پردازند (به‌طور مثال قوه مجریه و اصل ۱۳۸). بر این اساس، اصل، عدم مسئولیت نهادهای حکومتی و در کل اصل بر آزادی اراده شهروندان در همه امور است مگر قانون خلاف آن را به‌صراحت ذکر کرده باشد.

احکام دادگاه‌ها نیز به استناد اصل ۱۶۶ باید از قوانین نشأت گرفته باشد. البته اصل بعدی استثنائی بر آن وارد می‌کند و آن استناد به «منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر» است که می‌تواند باعث بروز مغایرت با حاکمیت قانون، اصل قانونی بودن و به تعبیری، قاعده «قیح عقاب بلا بیان» شود.<sup>۲</sup>

**۴-۱-۵. تفکیک قوا**

اصل ۵۷ به مقوله تفکیک قوا پرداخته است. البته تفکیک مورد نظر این اصل، مطلق نبوده و ویژگی‌هایی در آن وجود دارد که در صدد ایجاد تعادل میان قواست و حتی بیان عبارت «زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت» به واسطه آنکه محدود به عبارت «طبق اصول آینده این قانون» شده، به عبارت دیگر می‌تواند تضمین‌کننده تفکیک قوا باشد.

**۴-۱-۶. قانون اساسی**

قانون اساسی که عالی‌ترین سند الزام‌آور هر نظام سیاسی است و حدود و اختیارات متصدیان

۱. میان حاکمیت قانون از منظر شکلی و ماهوی بین نظریات مختلف اندیشمندان تفاوت وجود دارد (برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: عباسی، ۱۳۹۵، صص ۴۰-۳۳). اشارات بیان‌شده در این بخش ناظر بر حاکمیت قانون شکلی است.

۲. هر چند این تفسیر معقول هم وجود دارد که اصل ۳۶ را ناظر به حوزه جزائیات و اصل ۱۶۷ را ناظر به امور مدنی یا آن دسته از احکام جزایی دانست که با قاعده «قیح عقاب بلا بیان» منافات نداشته باشد. در این صورت، استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، مغایر با قاعده قیح عقاب بلا بیان یا اصل قانونی بودن جرم نخواهد بود.

امور عمومی را از جانبی و حقوق مردم را از جانب دیگر تعیین می‌کند در جمهوری اسلامی و در همه‌پرسی سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید و در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری و در معرض رأی عمومی قرار گرفت. اشارات مختلف این سند به حقوق و آزادی‌های شهروندان و همچنین ساختار حکومت و ارکان آن نشان‌دهنده وجود یک قانون اساسی نسبتاً قابل قبول در جمهوری اسلامی ایران است.

#### ۲-۴. الزامات ماهوی مفهوم جمهوریت و جمهوری اسلامی ایران

با توجه به آنچه پیرامون الزامات ماهوی جمهوریت گذشت می‌توان الزامات ماهوی جمهوریت در جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر برشمرد:

##### ۱-۲-۴. صلاحیت شهروندان برای استیفای حق و رشید بودن آن‌ها

از منظر جمهوریت، شهروندان رشید هستند و خود می‌توانند به استیفای حقوقشان پردازند. فصل سوم قانون اساسی و هر جای دیگر از این متن که به حقوق فردی، جمعی و اجتماعی اشاره کرده است دلالت بر این نکته دارد. اساساً برگزاری همه‌پرسی برای این سند حقوقی در سال ۵۸ و ۶۸ پذیرش این پیش‌فرض را به نمایش می‌گذارد.

##### ۲-۲-۴. برابری میان شهروندان

بخش پایانی اصل ۱۰۷ در خصوص رهبری اظهار می‌دارد: «... رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.» همین مسئله مؤید آن است که چنانچه بالاترین سمت کشور در برابر قانون با مردم مساوی است، پس سایر مقامات هم در ذیل همین نکته می‌گنجند و از باب نظری در این جمهوری نمی‌توان شخصیتی را یافت که نسبت به سایر شهروندان برتری داشته باشد و بتواند خارج از حیطه وظایف قانونی خود عمل کند.

اما درباره برابری در حق‌ها مسئله متفاوت است. عمده تبعیض‌های شناسایی‌شده نهادها و اسناد ملی و بین‌المللی در خصوص رفع تبعیض‌ها در حیطه «نژادی و قومیتی»، «جنسیتی» و «عقیدتی» است. قانون اساسی ایران نیز با توجه به این مهم، در خصوص جنسیت و نژاد، در بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۱۹ صراحتاً حکم به عدم تبعیض صادر می‌کند.

در بخش‌های دیگر قانون اساسی نیز نمی‌توان به‌صورت جدی ردپایی از تبعیض نژادی یا تبعیض صریح جنسیتی یافت؛<sup>۱</sup> اما تبعیض نسبت به اقلیت‌های فکری و دینی، در قانون اساسی، چشم‌گیر است. برای نمونه می‌توان مدعی بود در جمهوری اسلامی ایران همه افراد با هر طبقه، نژاد، جنسیت و اندیشه شهروند محسوب می‌شوند و در حق انتخاب‌گری برابر هستند؛ اما در حق انتخاب شدن، بر اساس قانون اساسی، شهروندان به چهار درجه مختلف طبقه‌بندی می‌شوند؛ درجه اول فقیهان و مجتهدان هستند که به‌واسطه طبقه خویش برتری یافته و می‌توانند سمت‌هایی مانند رهبری (اصل ۱۰۹) و ریاست قوه قضائیه (اصل ۱۵۷) را به خود اختصاص دهند؛ درجه دوم جامعه شیعیان (اکثریت مطلق جمعیت) هستند که به‌واسطه مذهب خود از دید قانون برتری یافته و سمت ریاست جمهوری (اصل ۱۱۵) بدان‌ها اختصاص یافته است؛ درجه سوم پیروان ادیان رسمی و مذاهب اسلامی شناسایی شده هستند که می‌توانند به‌واسطه دین شناسایی شده خود در کنار سایر شیعیان نماینده مجلس شورای اسلامی شوند (اصل ۶۴) و درجه چهارم نیز سایر شهروندان که جزء هیچ کدام از سه تقسیم پیش‌گفته نبوده و نمی‌توانند در هیچ انتخاباتی نامزد شده و صرفاً نقش رأی‌دهنده را ایفا می‌کنند. البته این رویکرد قانون اساسی سقف رویکرد برابری خواهانه شریعت نیست؛ برابر برخی تفسیرها و برداشت‌ها، ظرفیت‌های شریعت برای اتخاذ رویکردهای برابری خواهانه بسی بیش از وضعیت کنونی است (برای نمونه ر. ک. به: نوبهار، ۱۴۰۰، ص. ۱۳).

### ۳-۲-۴. آزادی‌های عمومی

بحث حق‌ها و آزادی‌های عمومی به‌صورت اخص در فصل سوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. اصل ۲۳ بر ممنوعیت تفتیش، اصل ۲۴ در خصوص آزادی رسانه‌ها، اصل ۲۶ در باب آزادی احزاب، انجمن‌ها و... و اصل ۲۷ به آزادی تجمعات می‌پردازد و اصل ۹ نیز به تضمین این اصول همت می‌گمارد؛ اما همه این نکات حداقل یک استثنا داشته و آن مخل بودن به «مبانی اسلام» است؛ همین عبارت راه تفاسیر گوناگون را برای مجریان امر

۱. به جز اصل ۱۱۵ که واژه ایرانی الاصل بودن را در کنار داشتن تابعیت ایران و برخورداری از وصف «رجل سیاسی» از ویژگی‌های رئیس جمهور دانسته است.

گشوده است. ضمن اینکه اطلاق و عموم این اصل‌ها اغلب با تفسیری که در عمل از آن‌ها به عمل آمده، به نوعی مخدوش شده است.

#### ۴-۲-۴. شفافیت

در قانون اساسی به مسئله شفافیت به صورت مستقیم اشاره‌ای نشده است؛ اما می‌توان آن را در لابه‌لای پاره‌ای از اصول یافت. برابر اصل ۱۶۵، در امور قضائی اصل بر علنی بودن محاکمات است. درباره عملکرد تقنینی و سیاسی مجلس اصل ۶۹ حکم به الزام انتشار جلسات برای عموم و علنی بودن آن را مطرح می‌کند. در امور مالی مرتبط به اداره کشور نیز دیوان محاسبات که بر اساس اصل ۵۵ مسئول نظارت مالی بر صرف بودجه کشور است، بر همه نهادهای وابسته مالی دولت نظارت می‌کند و سالانه هزینه کرد دولت را منتشر می‌سازد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲-۵. حمایت از اقلیت و احترام به تلاش آن‌ها برای اکثریت شدن

حمایت از اقلیت<sup>۲</sup> مقوله‌ای است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به جز اصل ۱۴ که صرفاً به حقوق انسانی، اخلاق حسنه و درنهایت قسط و عدل اسلامی در خصوص دگراندیشان می‌پردازد، تعیین حق و حقوق برای پیروان سایر اندیشه‌ها (غیر از ادیان رسمی) انعکاس چندانی در این سند بنیادین ندارد و در قلمرو دینی هم طبق اصل ۱۳ تنها چند آیین محدود به رسمیت شناخته شده‌اند و می‌توانند به امور دینی و احوال شخصیه خود به صورت رسمی پردازند. این مسئله می‌تواند موجب محدود کردن همه امور پیش گفته، از آزادی بیان گرفته تا حتی حق بر تعیین سرنوشت شود.

۱. به نظر می‌رسد با توجه به اصل ۱۱۳ نظارت بر امور مالی نهادهای وابسته به رهبری نیز در حیطه اختیارات این نهاد است.

۲. اصولاً دغدغه اصلی جمهوری اسلامی اقلیت‌های اعتقادی است و مقوله اقلیت‌های جنسی، نژادی و... مورد توجه آن نبوده است.



**۴-۲-۶. حق بر تعیین سرنوشت**

حق تعیین سرنوشت دامنه بسیار وسیعی دارد؛ چندان که به جرأت می‌توان گفت غایت همه نظریات جمهوری همین است. اساساً انتخاب عنوان جمهوری برای یک نظام طبعاً به معنای آن است که مردم خود تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کنند؛ حق دخالت در سرنوشت خود را دارند و چیزی بر آن‌ها تحمیل نمی‌شود (عطایی و علی‌محمدی، ۱۳۹۷، ص ۶۹). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به این حق در عرصه فردی و اجتماعی اشاره می‌کند؛ از حق انتخاب حکام (اصل ۶)، حق راهپیمایی (اصل ۲۷)، حق تشکیل احزاب (اصل ۲۶) تا حق تعیین شغل (اصل ۲۸)، تعیین محل سکونت (اصل ۳۳) و...؛ اما انضمام اکثر حقوق مذکور به مقوله اسلامی، عملاً حق تعیین سرنوشت را محدود و حقوق دگراندیشان را با مخاطرات جدی روبه‌رو ساخته است.

**۴-۳. اندیشه‌های امام خمینی و نسبت آن با جمهوریت**

امام خمینی در زمان حضور در فرانسه نظرات خود درباره حکومت مدنظرشان را به افکار عمومی اعلام کردند. ایشان می‌گوید: «این حکومت، حکومت جمهوری اسلامی متکی به آرای عمومی است. در حکومت جمهوری، مجلس تشکیل خواهد شد، بعد مجلس جزئیات نوع جمهوری و مسائل مربوط به آن را تعیین خواهد نمود» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۲۵۶). درجایی دیگر تأکید می‌کند:

آنچه مهم است ضوابطی است که در این حکومت باید حاکم باشد، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از اینکه اولاً متکی به آرای ملت باشد، به گونه‌ای که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند شرکت داشته باشند؛ و دیگر اینکه در مورد این افراد نیز خط‌مشی سیاسی و اقتصادی و سایر شئون اجتماعی و کلیه قواعد و موازین اسلامی مراعات شود. در این حکومت به‌طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم‌گیری‌ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند نمی‌توانند به تنهایی تصمیم‌گیرنده باشند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۳۶).

امام خمینی در خصوص آزادی در این نظام نیز می‌گوید: «در یک رژیم اسلامی، آزادی‌ها صریح و کامل خواهند بود. تنها آزادی‌هایی به ملت داده نخواهد شد که برخلاف مصلحت مردم باشد و به حیثیت فرد لطمه وارد سازد» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۸۹). امام در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسید: «بسیاری از مردم ایران به فرایض مذهبی عمل نمی‌کنند... روش حکومت اسلامی در برابر آن‌ها چه خواهد بود؟» پاسخ می‌دهند: «... سعی می‌کنیم به این افراد راه سلامت و نجات را نشان دهیم. اگر نخواهند این راه را بپیمایند، در زندگی یومیه خود آزاد خواهند بود...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۴۱۴). امام در خصوص آزادی احزاب نیز تأکید می‌کند: «همه احزاب در ایران آزاد خواهند بود مگر آنکه مخالف با مصالح ملت باشد؛ در آن صورت از فعالیت آن‌ها جلوگیری می‌شود. لکن اظهار عقاید آزاد است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۵۴۰).

بررسی اصول قانون اساسی و بیانات صریح امام خمینی در زمان عرضه جمهوری اسلامی، پژوهش موجود را بدان راه رهنمون می‌دارد که جمهوریت مدنظر در الگوی جمهوری اسلامی ایران حدوداً ساختاری منضبط بوده که دارای انطباق قابل توجهی با مفهوم جمهوریت در «کلان‌الگوی مدرن» است و تأکید چندباره امام بر جمهوری اسلامی؛ نه یک کلمه زیاده‌تر و نه یک کلمه کمتر، نشان از نگاه ارزشی به این ترکیب دارد.

##### ۵. مقتضیات جمهوریت مدرن در الگوی جمهوری اسلامی ایران و نظرات پیرامون آن

اینک با توجه به مطالب بیان‌شده و تأکید بر اینکه جمهوریت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، حداقل در متون بنیادین خود و مطالب ارائه‌شده از جانب بنیان‌گذارش در زمان معرفی و رأی‌گیری از مردم، مقوله‌ای نمایشی نبوده و در کنار تعبیر شکلی خود، دارای ویژگی‌های ماهوی جمهوریت در کلان‌الگوی مدرن نیز هست، ابتدا تأثیرات آن در ساحات‌های مختلف حکمرانی و سپس نظرات شاخص مخالف و موافق آن بررسی می‌شود.

##### ۵-۱. تأثیرات جمهوریت مدرن در ساحات مختلف حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران

با توجه به نکات بیان‌شده در این پژوهش می‌توان گفت چون جمهوریت، جزء ذات

جمهوری اسلامی ایران بوده و به‌منزلهٔ جنس در کنار فصل اسلامیت پذیرفته شده و این جمهوریت منطبق با کلان‌الگوی مدرن آن است، در جایی که مغایرت قطعی و لاینحل با فصل وجود نداشته باشد، باید مستقیماً به آن استناد کرد و همچون یک امر اصیل موردتوجه قرار داد و در تقنین، تحکیم، تفسیر، تنقیح، اجرا و... بر اساس آن عمل کرد؛ بنابراین حتی در مقام مراجعه به فتاوی‌ای مرتبط به امور عمومی نیز باید فتوای منطبق با جمهوریت را نسبت به فتوایی که چنین ویژگی‌ای ندارد، مقدم دانست. برای مثال، اصل ۱۱۵ در خصوص ویژگی‌های رئیس‌جمهور می‌گوید: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی... انتخاب گردد...» روشن نیست که آیا مقصود از واژهٔ «رجال» تنها مردان است یا آن‌که عام بوده و زنان و مردان را در برمی‌گیرد و منظور همان معنای عرفی آن، یعنی «دانای سیاسی» است. اگر پیرامون اصل ۱۱۵ قرینه‌ای موجود نبود، باید به «اصالة الحقیقه» رجوع کرده، از معجز تبری جسسته و منظور از رجال، مردان در نظر گرفته می‌شد؛ اما زمانی که پذیرفته می‌شود نظام، جمهوری است، پس دارای ویژگی‌هایی بوده که یکی از آن‌ها برابری شهروندان است؛ پس غیر از جایی که تصریح شرعی قطعی و غیر اختلافی وجود دارد، باید بر جمهوریت به‌منزلهٔ یک اصل صحه گذاشت و مجریان و مفسران و... در عمل و تفسیر و... از آن تبعیت کنند. پس اگر گفته شود برخی از فقها معتقدند زنان نمی‌توانند حاکم حکومت شوند، در پاسخ باید گفت به‌واسطهٔ آنکه جمهوریت جنس نظام است پس باید به فتوایی عمل شود که کمترین مغایرت را با جمهوریت داشته باشد، هرچند تنها یک فقیه واجد شرایط بر آن صحه گذارده باشد.<sup>۱</sup>

در باب نفوذ نظارت شورای نگهبان بر انتخابات هم اگر این نگاه در دستور کار قرار گیرد و شورای نگهبان خود را موظف بداند که در چهارچوب جمهوریت اختیارات خود را تفسیر کند، بخش زیادی از دغدغه‌ها و مشکلات موجود در این زمینه برطرف خواهد شد. به‌ویژه شرایط تصدی مناصب عمومی و فرایند احراز آن‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که زمینه مشارکت حداکثری شهروندان، نه‌تنها برای انتخاب کردن که برای انتخاب شدن نیز فراهم

۱. یوسف صانعی از شاگردان بنام امام خمینی نه‌تنها رئیس‌جمهور شدن که حتی تصدی مقام ولایت فقیه را نیز برای زنان بلاشکال می‌داند (صانعی، ۱۳۹۷، ص. ۴۶).

شود.<sup>۱</sup> به همین ترتیب استناد به فتاوی معتبر در احکام دادگاه‌ها آن گونه که در اصل ۱۶۷ قانون اساسی آمده است تا جایی مقبول است که با مقوله حاکمیت قانون و به‌ویژه اصل قانونی بودن جرم و مجازات که یکی از شاخصه‌های نظام‌های جمهوری است در تعارض قرار نگیرد. به تعبیری، فتاوی معتبر را باید از صافی جمهوریت هم عبور داد.

مقوله تفکیک قوا نیز با این راهکار در مسیر طبیعی خود قرار می‌گیرد؛ به صورتی که وقتی جمهوریت به‌عنوان امری اصیل پذیرفته شود، در زمان بررسی اصل ۵۷ قانون اساسی عبارت «(زیر نظر رهبری)» به صورتی بازشناسی خواهد شد که مغایر با اصل تفکیک قوا، حاکمیت قانون و قانون اساسی نباشد و به اختیارات مصرح قانونی این نهادها خدشه وارد نکند.

بر این اساس، درباره وضعیت حقوقی دگراندیشان نیز با توجه به اصول برابری میان شهروندان، ضرورت پاسداشت آزادی‌های عمومی، حمایت از اقلیت‌ها و تلاش آن‌ها برای اکثریت شدن و نهایتاً رکن رکین حق تعیین سرنوشت، منطبق‌ترین قرائت دینی با جمهوریت ملاک تفسیر قرار خواهد گرفت؛ تفسیری که بیشترین حق‌ها و آزادی‌ها را به شهروندان اعطا کرده و کمترین دخالت را در زندگی آنان داشته باشد و در آن برابری به‌عنوان یک اصل کلی تعریف شود و نابرابری صرفاً استثنائاتی باشد که عقل متعارف و جامعه برای صحت روند حیات خود بر آن صحنه بگذارد؛ این در حالی است که قرائت‌های موجود در عرصه نظری تأثیرگذار بر حکام و عملکردهای مبتنی بر آن، موجب محدودیت‌های گوناگونی در خصوص دگراندیشان شده (که به بخشی از آن در این پژوهش اشاره شد) و عامل بحران جدی برای تحقق جمهوریت و مقتضیات آن در نظام سیاسی ایران است.

با پذیرش مطالب مذکور در این پژوهش، در سایر امور هم وضعیت به همین صورت باید مدنظر متصدیان امر باشد و در کنار سنجش میزان انطباق حکم، فعل و... با شرع، باید میزان انطباق آن با جمهوریت نیز در نظر گرفته شود؛ وظیفه‌ای که اصل ۷۲ آن را به طور کلی بر عهده شورای نگهبان گذارده است؛ وظیفه‌ای که با توجه به پیشینه این نهاد تا حدی مغفول مانده است.

---

۱. گاه البته تفسیرهای بسیار مضیق و محدودی از فرآیند احراز شرایط پیشنهاد و توجیه می‌شود که دامنه انتخاب شدن شهروندان را محدود می‌کند (برای نمونه ر.ک. به: سبحانی و آیتی، ۱۴۰۱، ص. ۵۷).

بر این اساس، باید گفت چون جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن مورد امضای رهبری از جانبی و ملت از جانبی دیگر (در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸) قرار گرفته، این دو (جمهوریت و اسلامیت)، شرط صفت حکومت در ایران هستند؛<sup>۱</sup> پس آن فعل حکومت که مغایر با جمهوریت (اسلامیت) باشد باطل است. با توجه به اینکه در اسلام بر لزوم وفای به عهد و در شرایطی الزام به آن تأکید شده است؛<sup>۲</sup> از این رو هر فعلی که مغایر با جمهوریت یا اسلامیت تحقق یابد، هم صدور و هم عمل به آن خلاف شرع خواهد بود (چون خلاف وصف و عهد است) و اصرار حکومت بر اعمال آن، برای مردم «خیار تخلف از وصف» و در نهایت حق فسخ عقد حکومت را به وجود می‌آورد.

#### ۲-۵. تحلیل نظرات شاخص مخالفان و موافقان شناسایی جمهوری مدرن برای ترکیب جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد تقسیم‌بندی موجود در این پژوهش به صورت مشخص مورد استفاده مدونین جمهوری اسلامی قرار نگرفته است؛ اما می‌توان از لابه‌لای مطالب ارائه شده از جانب آن‌ها به تحلیلی نسبت به این گونه‌شناسی دست یافت. در همین راستا، شهید مطهری در بیان نسبت اسلامیت و جمهوریت این نظام می‌گوید: «جمهوری شکل حکومت پیشنهاد شده را مشخص می‌کند و کلمه اسلامی محتوای آن را. می‌دانیم که حکومت‌های دنیا چه در گذشته و چه در حال حاضر، شکل‌های مختلفی داشته‌اند. یکی از این حکومت‌ها حکومت عامه مردم است، یعنی حکومتی که در آن حق انتخاب با همه مردم است، قطع نظر از این که مرد یا زن، سفید یا سیاه، دارای این عقیده یا آن عقیده باشند. در اینجا فقط شرط بلوغ سنی و رشد عقلی معتبر است و نه چیز دیگر» (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۷۹). وی ادامه می‌دهد: «به علاوه این حکومت، حکومتی موقت است؛ یعنی هر چند سال یک بار باید تجدید شود؛ یعنی اگر مردم بخواهند می‌توانند حاکم را برای بار دوم یا احیاناً سوم و چهارم تا آنجا که قانون اساسی آن‌ها اجازه می‌دهد، انتخاب کنند و در صورت عدم

۱. امام خمینی مسئله حکومت را در بحث معاملات مطرح کرده‌اند. در تقسیمات کتب فقهی سنتی، اصولاً مطالب مربوط به عبادیات (امور مربوط به رابطه بنده و خدا و در کل امور معنوی)، احکام (امور مشترک مادی و معنوی) و معاملات (امور صرفاً مادی) تقسیم می‌شد. برای مطالعه مراجعه شود به: (نوبهار، ۱۳۹۴، صص. ۸۳-۸۲)

۲. «أَوْفُوا بِعَهْدِي» (بقره: ۴۰).

تمایل، شخص دیگری را که از او بهتر می‌دانند، انتخاب کنند؛ و اما کلمه اسلامی همان‌طور که گفتم محتوای این حکومت را بیان می‌کند؛ یعنی پیشنهاد می‌کند که این حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند» (مطهری، ۱۳۶۸، صص. ۷۹-۸۰). شهید مطهری در جمع‌بندی بحث خود می‌نویسد: «به این ترتیب جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن، انتخاب رئیس حکومت از سوی عامه مردم برای مدت موقت و محتوای آن هم اسلامی است» (مطهری، ۱۳۶۸، ص. ۸۰).

با توجه به نگاه مطهری می‌توان مدعی بود شاید در نمای اول نتیجه پژوهش موجود با مطالب ارائه‌شده از جانب ایشان متفاوت باشد؛ اما با توجه بیشتر می‌توان دریافت انطباقات گسترده میان این دو نگاه وجود دارد. اختلاف موجود در ظاهر، به‌واسطه تفاوت مراد بیان‌کننده در اشاره به «شکل» است. منظور نظر مطهری از شکل در این متن، قالب حکومت<sup>۱</sup> بوده؛ اما پژوهش موجود به ویژگی‌های شکلی<sup>۲</sup> و ماهوی این قالب می‌پردازد که برابری همه شهروندان و صلاحیتشان در استیفای حقوق و حق تعیین سرنوشت (مورد اشاره مطهری) خود یکی از ویژگی‌های ماهوی قالب جمهوری است. در همین راستا باید گفت همان‌طور که محتوای حکومت بر قالب آن تأثیرگذار است، قالب حکومت نیز طبیعتاً بر محتوای آن مؤثر خواهد بود و این تأثیر و تأثر را نمی‌توان نادیده گرفت.

منتظری، از چهره‌های شاخص در تأسیس و تبیین جمهوری اسلامی، حتی گامی اساسی‌تر برداشته است و بیان می‌کند، چون امروزه دسترسی مستقیم به معصوم امکان‌پذیر نیست و از جانب دیگر صرف بیان عبارت احکام، مقررات و مصالح دین به‌واسطه اختلاف نظرهای موجود، به امرونهی مشخص و معینی ارجاع نمی‌یابد، بهترین کار آن است که در خصوص این مهم نیز، نظرات متعارض علما، در شرایطی که همه افراد بتوانند بدون هیچ محدودیتی نسبت به آن به اظهار نظر بپردازند، مطرح‌شده و خواست و مصالح عمومی، ذیل معنای جمهوریت و اسلامیت برگزیده شود و مواردی مانند شهرت و ... در آن تأثیرگذار نباشد (منتظری، ۱۳۹۶، صص. ۲۳۳-۲۳۱).

---

1. Government format

2. Formal traits

از دیگر چهره‌های اثرگذار در تأسیس جمهوری اسلامی، شهید بهشتی است که به تحلیل جمهوریت پرداخته است. وی معتقد به تقسیم ارسطویی در خصوص حکومت‌ها بوده است؛ اما با این تفاوت که (به‌غیر از زمانی که معصوم در رأس حکومت است) حکومت مردم بر مردم را به صورت یک ارزش بازشناسی کرده و سایر الگوهای ارسطویی را مردود می‌داند. وی همچنین مهم‌ترین شاخصه جمهوریت را که در جمهوری اسلامی نیز تبلور یافته پذیرش و انتخاب آزادانه نوع حکومت، احکام حاکم بر آن و قابلیت تغییر نظام حاکم، بر اساس خواست و رأی مردم شناسایی می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۰، صص. ۲۲-۱۲). وی در خصوص جایگاه اسلامیت نظام نیز، قائل به دو نوع جمهوری می‌شود؛ یک دسته «جمهوری‌های مطلق» که ملاک عملشان در همه امور صرفاً رأی مردم است و دسته دوم، «جمهوری‌های مکتبی و ایدئولوژیک» که خود مردم به خواست خود این ایدئولوژی را پذیرفته‌اند و تا زمانی که خود از آن اعراض نکرده‌اند، امور جامعه از منظر آن دیده می‌شود؛ حال چه این ایدئولوژی‌ها انسانی باشند و چه الهی (مشروح مذاکرات بررسی قانون اساسی، ۱۳۶۴، صص. ۳۸۰-۳۷۹) شهید بهشتی جمهوری اسلامی را ذیل این تعریف از جمهوریت بازشناسی می‌کند.

با توجه به مطالب مذکور در این پژوهش، با توجه به اینکه مردم حق دارند از جمهوری مکتبی انصراف دهند و بر اساس اندیشه شهید بهشتی نباید مانعی در برابر این تصمیم عموم مردم قرار داد، می‌توان مدعی بود تعارضی صریح میان جمهوری مکتبی (مدنظر بهشتی) و جمهوری مدرن، قابل اثبات نیست و همان‌طور که جمهوری سوسیالیستی، جمهوری ناسیونالیستی و سایر پسوندهای مکتبی می‌توانند در کنار نام جمهوری مدرن وجود داشته باشند و به ویژگی‌های شکلی و ماهوی آن پردازند، در مورد جمهوری اسلامی نیز این امکان وجود دارد.

البته در برخی از پژوهش‌ها بیان شده است که از منظر امام خمینی، جمهوریت امری متفاوت با جمهوری‌های متداول بوده است و نباید همه ویژگی‌های جمهوری‌های غربی را در جمهوری اسلامی جست‌وجو کرد (فتحی، ۱۳۸۶، ص. ۲۴۳). در پاسخ به این دیدگاه با تأکید بر نظرات بیان شده از جانب آیت‌الله منتظری و شهیدان مطهری و بهشتی می‌توان مدعی بود چون شاخصه‌های جمهوریت مدرن که پیش‌تر به تفصیل بیان شد، مغایرت

بنیادین با اسلام ندارد، در ساختار جمهوری مبتنی بر اسلام قابل پیاده‌سازی بوده و اصل ۵۶ قانون اساسی (تفویض حاکمیت الهی به مردم) نیز به همین نکته اشاره دارد. ادعای مذکور از ادله کافی برخوردار نیست.

از سویی دیگر، برخی مانند مصباح یزدی معتقدند که مختصات جمهوری اسلامی مدنظر امام خمینی با قانون اساسی این نظام یکسان نیست و باید دست به تغییر آن زد تا به خواست ایشان و درنهایت به برپایی حکومت اسلامی رسید (شکوری و صالحی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۵). این ادعا در حالی مطرح می‌شود که تأکید امام خمینی بر «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر» در مکاتبات و سخنرانی‌های مختلفشان موجود است که به برخی از آن‌ها اشاره شد. در پاسخ به آن نیز می‌توان گفت، نزدیک‌ترین چهره‌های علمی به امام خمینی (آیات عظام مطهری، بهشتی و منتظری) هیچ‌کدام قائل به این نظر نبوده و دو تن از این افراد (بهشتی و منتظری) خود رؤسای مجلس خبرگان رسیدگی نهایی به قانون اساسی بوده‌اند و شخصیت امام خمینی نیز به صورتی قابل‌درک است که اگر امری را خلاف شرع می‌دانست به‌هیچ‌وجه تن به آن نمی‌داد. از جانب دیگر باید دانست در صورت پذیرش این ادعا، برای ملتی که به‌واسطه بیانات امام خمینی و سایر این چهره‌های شاخص به جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن رأی داده‌اند، باید همه‌پرسی مجددی برگزار شود (تا عقد جدیدی ایجاد شود) وگرنه «خیار تخلف از وصف» در قبال کلیت نظام تحقق خواهد یافت.

برخی نیز مدعی شده‌اند امام خمینی برای «بستن دهان خصم»<sup>۱</sup> چنین تعریفی از جمهوریت ارائه داده‌اند. اگر این تصور پذیرفته شود، باید گفت «عَش» در معامله حکومت صورت گرفته و این عمل مصداق «تدلیس» است. خود این فعل «رضاً» و «اراده» را از جانب مردم مخدوش می‌سازد و معامله از نفوذ ساقط می‌شود. از جانب دیگر، با پذیرش این ادعا، شرط تقوا و عدالت که یکی از شروط ولی فقیه است، درباره امام خمینی که ارائه‌دهنده این نظریه بوده، مورد تردید واقع می‌شود و حتی تصرفاتشان را مشکوک می‌سازد؛ اما با شناختی که تاریخ از امام خمینی ارائه می‌کند، این ادعا بهره‌ای از راستی ندارد.

۱. تفسیر جلال‌الدین فارسی از جمهوری اسلامی، روزنامه ابرار، ۱۳۷۹/۴/۲۲



### نتیجه‌گیری

«جمهوریت» در تعاریف جامع خود، دارای ویژگی‌های مختلف شکلی و ماهوی است. از ویژگی‌های شکلی آن می‌توان به: ۱. انتخاب حکام از جانب شهروندان؛ ۲. محدودیت دوره زمامداری؛ ۳. مسئولیت حکام؛ ۴. حاکمیت قانون؛ ۵. تفکیک قوا و ۶. قانون اساسی اشاره کرد. از خصوصیات ماهوی این نظام نیز می‌توان ۱. برابری میان شهروندان؛ ۲. آزادی‌های عمومی؛ ۳. صلاحیت شهروندان در استیفای حق؛ ۴. شفافیت؛ ۵. حمایت از اقلیت و تلاش آن‌ها برای اکثریت شدن و ۶. حق تعیین سرنوشت را نام برد.

برابر یافته‌های این پژوهش می‌توان مدعی بود نظام جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی آن، با وجود کاستی‌های مختلف (بالأخص در خصوص حقوق اقلیت‌ها و حقوق برابر شهروندان)، پیرو «کلان‌الگوی مدرن» از جمهوریت است. این جمهوریت در چهارچوب ادبیات کلیات خمس، جزء ذات بوده و جنس جمهوری اسلامی است. پس در پرتو این درک و با توجه به اصل ۱۷۷ قانون اساسی که جمهوریت را یکی از ویژگی‌های غیرقابل انفکاک از نظام می‌داند، باید گفت، چون جمهوریت و قانون اساسی مورد امضای ولی فقیه از جانبی و ملت از جانبی دیگر قرار گرفته، تخطی از آن جایز نیست و در صورت اصرار بر تخطی، تحقق حق فسخ برای مردم محتمل است. بر اساس همین نکته می‌توان افزود اگر حکومت در تفسیر، تحکیم، تقنین، اجرا و... فعل یا عدم فعلی مغایر با ویژگی‌های شکلی و ماهوی جمهوریت مرتکب شود، آن مورد، در صورت وجود راهکار شرعی جایگزین، باطل و حق اعتراض مردم محفوظ است و در کل باید جمهوریت را یکی از مرجحات اصلی در همه امور نظام دانست.

اما این رویکرد، به صورت مستمر در ادوار مختلف حیات جمهوری اسلامی ایران در همه امور و عرصه‌ها مورد توجه قرار نگرفته است؛ به صورتی که امام خمینی نیز در سال‌های پایانی عمر خود با اشاره به اداره برخی از امور با استناد به چیزی جز قانون، شرایط خاص تأسیس و سپس جنگ را عامل تخطی از آن دانسته و تأکید کرده‌اند: «... ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سال‌ها انجام گرفته در ارتباط با جنگ بوده است...» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص. ۲۰۳)؛ اما پس از پایان جنگ و بعدازآن، رحلت امام خمینی به فاصله کمتر از یک سال،

تحقق این هدف با چالش‌های جدیدتری نیز روبه‌رو شد که می‌توان مهم‌ترین این چالش‌ها را توسعه اختیارات شورای نگهبان بر روند انتخابات، بالأخص انتخابات مجلس خبرگان رهبری دانست.

در نهایت با توجه به مطالب ارائه‌شده و سایر مستندات قانونی می‌توان مدعی بود مقوله جمهوریت و ارج نهادن به آن در تاریخ جمهوری اسلامی ایران همیشه وضعیت ثابتی نداشته است؛ در اوایل انقلاب و تا پیش از اوج‌گیری ترورها و همچنین در نیمه دوم دهه هفتاد و نیمه اول دهه هشتاد توجه به این مهم در اولویت جامعه اندیشمند و سیاست‌گذار قرار گرفته؛ اما در سایر ادوار، حتی بی‌مهری‌هایی به این بخش غیرقابل انفکاک نظام شده است و حتی برخی جریان‌های سیاسی مطرح، میل و تمایل خود نسبت به ترجیح عنوان حکومت اسلامی بر جمهوری اسلامی را مستقیم یا غیرمستقیم بیان کرده‌اند. با این حال، هنوز می‌توان امید داشت که با تلاش‌های جامعه مدنی و با حمایت اندیشه‌ای فرهیختگان حوزه و دانشگاه، با کم‌رنگ شدن بنیادها و مفاهیم پایه‌ای جمهوریت مبارزه کرد و جمهوریت مدنظر انقلاب اسلامی را به منصف ظهور رسانید. بدیهی است اصلاح در این زمینه فرصتی محدود دارد. اگر مفاهیم بنیادین جمهوریت به هر علت و سببی رفته‌رفته رنگ ببازد، بازگرداندن آب‌رفته به جوی ناممکن خواهد شد. نباید فراموش کرد که جمهوری عهد و پیمان انقلابیون مسلمان با آحاد جامعه ایرانی بوده است. این عهد را نباید شکست، بلکه با تمام وجود باید به آن پایبند بود. پیداست که پایبندی به محتوا و درون‌مایه جمهوریت در هر حال از پایبندی به شکل و ظاهر آن بسی مهم‌تر و ضروری‌تر است. از این رهگذر است که می‌توان تلاش‌های بیش از یک قرن مردم ایران، از مشروطیت تا کنون را ارج نهاد.

## ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

## منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۸). دانشنامه سیاسی. تهران: نشر مروارید.
  - امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵). صحیفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
  - بایرناس، جان (۱۳۸۵). تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه.
  - بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳). نظریه‌های نظام سیاسی: کلاسیک‌های اندیشه سیاسی و تحلیل سیاسی نوین. ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات آران.
  - بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۸۰). بازشناسی یک اندیشه (مجموعه سخنرانی‌ها و یادمان آیت‌الله دکتر بهشتی). اصفهان: نشر بقعه.
  - پایزارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۵۹). تاریخ فلسفه سیاسی. تهران: زوار.
  - جوان آراسته، حسین (۱۳۸۵). جمهوریت و اسلامیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۱(۳۹)، ۹۶-۱۱۷.
- <http://www.rcipt.ir/pdfmagazines/039/039.pdf>
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  - سبحانی، اسرافیل و آیتی، سید محمدرضا (۱۴۰۱). صلاحیت کارگزاران: شرایط، مرجع، دیدگاه‌ها و ادله با نگاهی به آرای امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۲۴(۹۶)، ۵۷-۸۵.
- doi: 10.22034/MATIN.2021.201864.1509  
dor: 20.1001.1.24236462.1401.24.96.2.3
- شکوری، ابوالفضل و صالحی، جواد. (۱۳۸۲). جایگاه گفتمان جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی و تأویل‌های مترتب آن. علوم انسانی الزهراء، ۱۳(۴۶-۴۷)، ۱۸۵-۲۴۰. SID. <https://sid.ir/paper/13927/fa>
  - صانعی، یوسف (۱۳۹۷). رویکردی به حقوق زنان. قم: مؤسسه فرهنگی فقه‌الثقلین.
  - عباسی، بیژن (۱۳۹۵). حقوق اساسی تطبیقی. تهران: نشر دادگستر.

رحیم نوبهار، سید محمدرضا متقی: جمهوریت و الزامات شکلی و محتوایی آن در نظام جمهوری ... ۱۳۹

- عطایی، عبدالله و علی محمدی، سجاد (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر در همگرایی مردم با نظام در اندیشه امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۲۰(۸۰)، ۶۹-۹۳.  
dor: 20.1001.1.24236462.1397.20.80.5.6
- فاستر، مایکل (۱۳۷۰). خداوندان اندیشه سیاسی. ترجمه محمد شیخ الاسلامی، تهران: امیرکبیر.
- فتحی، امیرحسین (۱۳۸۶). از ولایت فقیه تا جمهوری اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی، ۳ (۹ و ۱۰)، ۲۳۵-۲۵۲. [magiran.com/p827681](http://magiran.com/p827681)
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ و اصلاحات ۱۳۶۸.
- کلووسکو، جرج (۱۳۹۶). تاریخ فلسفه سیاسی. ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر نی.
- لیست، سیمور مارتین (۱۳۸۳). دایرةالمعارف دموکراسی. ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴، ج ۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). پیرامون انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- مقیمی، غلام حسن (۱۳۷۸). درآمدی بر مفهوم جمهوری. مجله علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۱(۴)، ۱۵۸-۱۹۰. [http://psq.bou.ac.ir/article\\_8607.html](http://psq.bou.ac.ir/article_8607.html)
- منتظری، حسینعلی (۱۳۹۶). مبانی مردم‌سالاری در اسلام. ترجمه و تفسیر بهرام شجاعی، قم: سرایی.
- نوبهار، رحیم (۱۴۰۰). برابری دینه زن و مرد در آموزه‌های اسلامی. تهران: طرح نو.
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۴). جستاری در تقسیم‌بندی باب‌های فقهی و پیامدهای روش‌شناختی آن. فصلنامه راهبرد، ۲۴(۳)، ۷۶، ۷۹-۱۰۵.  
dor: 20.1001.1.10283102.1394.24.3.4.1
- ورعی، سید جواد (۱۳۸۵). جمهوریت و اسلامیت از دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی. فصلنامه حکومت اسلامی، ۱۱(۳۹)، ۶۲-۹۵. <http://www.rcipt.ir/pdfmaga-zines/039/039.pdf>

- 
- Abbasi, B. (2016). *Comparative Constitutional Law*. Tehran: Dadgostar Publications. [In Persian]
  - Ashuri, D. (1999). *Political Encyclopedia*. Tehran: Morvarid Publication. [In Persian]
  - Ataei, A. & Ali Mohammadi, S. (2018). A Study of the Factors behind the coalition between society and the Islamic Regime in Imam Khomeini's Thoughts. *Matin Research Journal*, 20(80), 69-93.  
dor: [20.1001.1.24236462.1397.20.80.5.6](https://doi.org/10.1001.1.24236462.1397.20.80.5.6)
  - Bartlett, K. (2005). *A Short History of The Italian Renaissance*. Volume II, Toronto: University of Toronto press.
  - Beheshti, S. M. H. (2010). *Collection of lectures*. Isfahan: Baqeh Publications. [In Persian]
  - Boyer Noss, J. (2006). *Comprehensive History of Religions*. translator: Ali Asghar Hekmat, Tehran: Katiba Scientific and Cultural Publication Company. [In Persian]
  - Bloom, W. T. (1994). *Theories of the Political System: Classics of Political Thought and Modern Political Analysis*. translated by Ahmad Tadayon, Tehran: Aran Publications. [In Persian]
  - Dekhoda, A. A. (1994). *Dekhoda Dictionary*. Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
  - Detailed Report of the Deliberations of the Parliament of the final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, (1985), volume 1. [In Persian]
  - Fathi, A. H. (2007). from Wilayat Faqih to Islamic Republic. *Research Quarterly of Islamic Revolution Studies*, 9(10), 235-252. [magiran.com/p827681](http://magiran.com/p827681)
  - Foster, M. (1991). *Gods of political thought*. translated by Mohammad

- Sheikhul Islami, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Geyl, P. (2001). *History of the Dutch-Speaking Peoples*. Bristol: Phoenix Press.
  - JavanArasteh, H. (2006). Republic and Islamism in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Islamic Government Quarterly Journal*, 11 (39), 96-117 <http://www.rcipt.ir/pdfmagazines/039/039.pdf>
  - Khomeini, S. R. (2006). *Collection of Imam works*. Tehran: Imam Khomeini Education and Research Institute's Publications. [In Persian]
  - Klosko, G. (2017). *History of Political Philosophy* (3rd volume). translated by Khashayar Deyhimi, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
  - Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of our Time*. London: Verso Books.
  - Lipsett, S. M. (2004). *Encyclopedia of Democracy*. translated by Kamran Fani, Nurullah Moradi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
  - Moghimi, Gh. H. (1999). An Introduction to the Concept of Republic. *Journal of Political Science*, Baqirul Uloom University, 1(4), 158-190. [http://psq.bou.ac.ir/article\\_8607.html](http://psq.bou.ac.ir/article_8607.html)
  - Montazeri, H. A. (2017). *Fundamentals of Democracy in Islam*. translation and interpretation: Bahram Shujaei, Qom: Saraei. [In Persian]
  - Motahari, M. (1989). *On the Islamic Revolution*. Tehran: Sadra Publication. [In Persian]
  - Nobahar, R. (2015). An Enquiry on the Classification of Chapters of Fiqh and its Methodological Consequences. *Strategy Quarterly*, 24(3) 76, 79-105. dor: 20.1001.1.10283102.1394.24.3.4.1

- 
- Nobahar, R. (2021). *Equality of Diya of Man and Woman in Islamic Teachings*. Tehran: Tarh-e Now Publication. [In Persian]
  - Pangle, Th. (1988). *The Spirit of Modern Republicanism*. Chicago: University of Chicago Press.
  - Pazargad, B. (1980). *History of Political Philosophy*. Tehran: Zovar. [In Persian]
  - Rahe, P. A. (2008). *Against Throne and Altar: Machiavelli and Political Theory under the English Republic*. Cambridge: Cambridge University Press.
  - Saddington, D.B. (2011). Classes: the Evolution of the Roman Imperial Fleets. in Paul Erdkamp (ed), *A Companion to the Roman Army*, Malden, Oxford: UPO.
  - Sanei, Y. (2018). *A view on women's rights*. Qom: Feqh al-Saghaleen Cultural Institute. [In Persian]
  - Shakuri, A. & Salehi, J. (2003). The Position of Republic Discourse in Imam Khomeini's Political Thought and Related Interpretations. *Al-Zahra University Journal of Humanities*, 13(46-47), 185-240. SID. <https://sid.ir/paper/13927/fa>
  - Sobhani, E. & Ayati, S. M. R. (2022). Competency of Agents: Qualifications, Authority, Views and Arguments with a view on Imam Khomeini's ideas. *Matin Research Journal*, 24(96), 57-85.  
doi:10.22034/MATIN.2021.201864.1509  
dor: 20.1001.1.24236462.1401.24.96.2.3
  - The Constitution of the Islamic Republic of Iran, Approved in 1979 and its amendments in 1989. [In Persian]
  - Van Veen, H. Th. (2013). *Cosimo I De' Medici and His Self-Rep-*

*resentation in Florentine Art and Culture*. Cambridge University Press.

- Warai, S. J. (2006). Republic and Islam from the perspective of Imam Khomeini and the Constitution. *Islamic Government Quarterly Journal*, 11 (39), 62-95. <http://www.rcipt.ir/pdfmagazines/039/039.pdf>
- Wilson, N. G. (2006). *Encyclopedia of Ancient Greece*. NewYork: rutledge.

---

#### COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

---

